

شبه چنارهای خیابان ولیعصر



فریدون صدیقی

گاهی اوقات اعداد می‌توانند کمیت بلندبالی را بسازند؛ کمیته قد کشیده و استوار مانند سرو...

حرکت موزون

شماره چهار هزارم



مهدی استاد احمد

در مورد تشریح ساعی گفتیم/باغدغه شعر اجتماعی گفتیم وقتی سخن از چهار امدفی الفور/در مورد آن سه تار باغی گفتیم...

نگاه سیاسی

اعتمادی‌ها، تبر یک



محمدعلی ابطحی

چهار هزارمین شماره روزنامه اعتماد منتشر شد. کسانیه که در حوادث کشور در این دههها بوده‌اند می‌دانند که خود این خبر می‌تواند...

نگاه فرهنگی

خسته نباشید



محمد سلطانی‌فر

یابد صحبت‌هایم را با خسته نباشید و دست‌میزاد به همکارانم در روزنامه اعتماد آغاز کنم و امیدواری برای روزگاری که شاهد انتشار شماره ۵ هزار و ۱۰ هزار این روزنامه باشیم...

تیر مصور | شماره اول روزنامه اعتماد

Advertisement for 'Tir-e Mavur' magazine, featuring various images and text about its content and subscription information.

اعتقاد

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: الیاس حضرتی
جاننشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری: بهروز بهزادی
سردبیر: سیدعلی میرفتح
معاون اجرایی: حجت طهماسبی
مشاور مدیرمسئول: محمد حضرتی
رئیس سازمان آگهی‌ها: علی حضرتی
نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پست‌مینیو
تلفن: خانه ۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ - ۶۶۱۲۴۰۲۱
توزیع: نشر گستر امروز - تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
چاپ: نشر روزتاب - تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶

نگاه آخر

اعتماد خوانندگان، اصل اساسی «اعتماد»



بهروز بهزادی

چهار هزارمین شماره روزنامه «اعتماد» اکنون پیش‌روی شما است. دربار آن چه حاجت به بیان است ولی با انصاف که صحبت کنیم، باید بگوییم، دوستان من در تحریریه گرچه از نظر شکلی و محتوایی روزنامه را بسیار توسعه داده‌اند و بر زیبایی...

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتح

سال‌ها و سال‌ها و سال‌ها

از باقبالی‌های من و دوستانم یکی این بود- شاید هنوز هم هست- که کارمان دوام ندارد. فعل ماضی استفاده کنیم بهتر است. نداشتن با تازی سهمگین کاری را رسمی انداختیم، حساسی تلاش می‌کردیم، وقت می‌گذاشتیم، بلکه عمر می‌گذاشتیم، اجر روی اجر می‌چیدیم و دیوار روزنامه یا مچله‌ای را بالا می‌بردیم، بالا هم می‌رفت، بازارمان رونق می‌شد و بنامان فرو می‌ریخت و فواره بالا رفته، سرنگون می‌شد. یکبار که خیلی از تکرار این سرنگونی افسرده شده بودم نوشتیم ما «بتر» شده‌ایم و تا دوام و پیوند را قلموس مان رخت بر بسته‌اند، روشنفکری نیاز به دوام و قیام دارد و با دوره‌گردی جور در نمی‌آید. اما از سر ناچاری دوره‌گردی پیش گرفتیم و به هر جان کنندی بود، چراغ این دکان را روشن نگاه داشتیم. این بیت مولانا به اعتباری وصف حال من و دوستانم بود: بد تند است و چراغم اتری / زو بگیرانم چراغ دیگری- بدترین اتفاقی که برای ما افتاد این بود که هفتاد و هشتاد سالگی ما را از دست دادیم. چراغ ما را از دست دادیم. چراغ ما را از دست دادیم. چراغ ما را از دست دادیم...

Large advertisement for Samsung QLED TVs, featuring product images, prices, and promotional text in Persian.